



ضرورت راهبردی سیاست هویت ملی

فرزاد پورسعید *

اشاره:

گردهم‌آیی صدها نفر در پاسارگاد با هدف بزرگداشت روز «کوروش» و همچنین، اعلام تشکیل فراکسیون ترک‌زبانان مجلس شورای اسلامی، دو رویداد مهم در آبان‌ماه بودند که با مقولاتی چون قدرت، هویت، امنیت و منافع ملی مردم ایران پیوندی ناگسستنی دارند. نوشتار حاضر در پی تبیین این فرضیه مهم است که در صورت وجود سیاست هویت ملی به گونه‌ای مدون و همه‌پذیر در کشور، هیچ‌گاه این مقولات به مسئله کشور و به طریق اولی، به مسئله امنیتی تبدیل نمی‌شدند.

مقدمه

در آبان‌ماه شاهد دو رویداد مهم در جامعه ایرانی بودیم که با مقوله هویت ملی و هویت ایرانی نسبتی مستقیم و تام داشت. در روز جمعه هفتم آبان‌ماه، برای سومین سال پیاپی، برخی از شهروندان ایرانی در پاسارگاد، محل دفن کوروش گرد هم آمدند تا این روز را به عنوان روز بزرگداشت وی گرامی بدارند. همچنین، در روز نهم آبان‌ماه اعلام شد که صد نماینده مجلس شورای اسلامی، فراکسیونی با عنوان فراکسیون نمایندگان ترک‌زبان تشکیل داده‌اند. این دو رویداد، در بدو امر با واکنش‌های کاملاً متفاوت، اعم از موافقت کامل تا مخالفت کامل در سطح جامعه و حتی در سطح زمام‌داران و گروه‌های مرجع درون حاکمیت مواجه شد. نوشتار حاضر با مرور و بازخوانی این رویدادها، به آسیب‌شناسی واکنش‌های رسمی پرداخته و سردرگمی مشهود در آن‌ها را ناشی از نبود سیاست مدون هویت ملی در کشورمان می‌داند.

گردهم‌آیی در پاسارگاد

در روز جمعه هفتم آبان‌ماه یا روز بزرگداشت کوروش که به روایت برخی تاریخ‌نویسان^۱، روز ورود سپاه ایران به بابل و صدور فرمان یا منشور حقوق بشر کوروش است، گروهی از مردم ایران (چند صد تا چند هزار نفر) در پاسارگاد و محل آرامگاه کوروش، گرد هم آمدند. ترکیب جمعیت گردآمده و نیز سر داده‌شدن برخی شعارهای گروهی در کنار شعار عمومی، نشانه‌هایی از تنوع جمعیتی و نبود هماهنگی میان بیشتر آن‌ها بود. برخی منابع دعوت‌کننده به این تجمع، شمار شرکت‌کنندگان را حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر تخمین زده‌اند، اما روایت‌های بی‌طرف، به حضور هزاران نفر اشاره می‌کنند. در این مراسم همچنین اقوام مختلف ایرانی با لباس‌های محلی حضور داشته‌اند و گروهی از تجمع‌کنندگان، شعارهایی از جمله «کوروش آریایی، تولدت مبارک» و «ایران وطن ماست، کوروش پدر ماست» سردادند. در عین حال، مطابق گزارش‌ها، این مراسم ملغمه‌ای بوده است از آن‌ها که شعارهای تفرقه‌افکنانه و ضد عرب سر داده، تا اقوامی که با

۱. در بخشی از کتیبه «رویدادنامه نونید» که اوپنهایم از بابلی به انگلیسی ترجمه کرده و عبدالمجید ارفعی در کتاب خود با عنوان «فرمان کوروش بزرگ» آن را به فارسی برگردانده، آمده است: «سال هفدهم (۵۳۹-۵۳۸ پیش از میلاد) در مته ارخسمنو (Arahsamnu) ماه هشتم) روز سوم (هفتم آبان) کوروش به بابل اندر آمد. شاخه‌های سبز در برابر او (زیر پای او) گسترده شد. حالت «آشنی» در شهر برقرار شد. کوروش شادباش‌ها به همه شهرها در (سرزمین) بابل فرستاد. او گبزو، فرماندارش را (به نیابت) فرمانداری در (سرزمین) بابل گماشت. بنابراین، بر اساس رویدادنامه نونید، هفتم آبان روز ورود کوروش به بابل است؛ روزی که برخی به اشتباه آن را روز فتح بابل می‌دانند، اما بر اساس این رویدادنامه، ارتش ایران در روز ۲۰ مهرماه بدون جنگ و خون‌ریزی وارد بابل شد و از این تاریخ تا هفتم آبان، کوروش به شهر وارد نشده بود.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



لباس‌های محلی‌شان دست در دست دیگر اقوام و هر کدام با گویش و لهجه خویش، ایرانیان را به اتحاد فراخوانده‌اند؛ از آن‌ها که شعارهای ضد حکومتی داده و به سمت مزار کوروش نماز اقامه کرده‌اند تا کسی که به زبان عربی روش و منش صلح‌طلبانه کوروش را ستوده است. برخی چهره‌ها نیز با انتشار عکس‌ها، متن‌ها و فیلم‌هایی به بزرگداشت این روز غیررسمی پرداختند. از جمله یکی از بازیگران که با انتشار ویدئوی کوتاه در کنار مجسمه کوچکی از پاسارگاد، این روز را تبریک گفت. البته، یکی از جالب‌ترین موارد، واکنش اینستاگرامی یکی از مجریان تلویزیون بود. وی در عکس‌نوشتی که در صفحه اینستاگرام شخصی‌اش منتشر کرده، پس از اشاره به مقام ذوالقرنین و نام‌بردن از او به عنوان همان «کوروش کبیر» بر اساس تفسیر المیزان، زیارتنامه‌ای به زبان عربی برای کوروش نوشته است؛ زیارتنامه‌ای بسیار کوتاه با این عبارت‌ها: «السلام علیک یا صاحب العدل والوجود والاحسان والتفکر الانسانیه و تدبیر العالمیه. السلام علیک یا مفخر الایرانیه و رحمت الله و برکاته».

فارغ از نوع نگاه مردم و سیل عظیم واکنش‌های مثبت و منفی آن‌ها به برپایی این مراسم در پاسارگاد، اقداماتی در جهت هرچه محدودتر کردن این مراسم انجام شد؛ از جمله بستن مسیرهای اصلی و فرعی منتهی به پاسارگاد تا اطلاعیه به تورهای گردش‌گری و منع آن‌ها از فرستادن گردش‌گر در این برهه زمانی به مقبره کوروش. انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافری در ایران نیز در بخشنامه‌ای «خیلی فوری» که تاریخ ۱۵ آبان‌ماه را بر خود دارد، از اعضای این انجمن خواست اسم و مشخصات افرادی را که از تاریخ ۲۴ مهرماه گذشته تا دهم آبان به شهر شیراز سفر کرده‌اند، به این انجمن ارائه دهند. در این بخشنامه، قید شده که هدف از این کار ارائه مشخصات این مسافران به «پلیس امنیت اماکن» است. آن‌طور که از این بخشنامه برمی‌آید، «پلیس امنیت اماکن ایران» به دنبال افرادی است که «در قالب تورهای داخلی از تاریخ ۷/۲۴ تا ۸/۱۰ به شیراز سفر کرده‌اند». این بخشنامه حاوی اطلاعات مشخصی در این باره نیست و ذکر نمی‌کند که پلیس امنیت به چه دلیل مشخصات این مسافران را می‌خواهد. با این حال به نظر می‌رسد هدف از صدور این بخشنامه شناسایی افرادی باشد که برای بزرگداشت روز کوروش در هفته نخستین آبان‌ماه به شیراز سفر کردند. پیش از این برخی از وب‌سایت‌ها و خبرگزاری‌ها از لغو تورها به مقصد پاسارگاد در این روز با دستور سازمان میراث فرهنگی در برخی از استان‌ها خبر داده بودند. از جمله خبرگزاری ایسنا خبر داده بود که با دستور سازمان میراث فرهنگی اصفهان تورهای به مقصد پاسارگاد از اول تا دهم آبان لغو شده است.

حضور برخی طیف‌ها در این مراسم و کشف حجاب برخی و همچنین، ارسال عکس‌ها و فیلم‌های مربوط به آن در شبکه‌های مجازی، واکنش حضرت آیت‌الله نوری همدانی را در پی داشت. این مرجع تقلید روز یکشنبه نهم آبان، در دیدار جمعی از کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در واکنش به اتفاقات اخیر در استان فارس گفت: «در روزهای گذشته در کنار قبر کوروش در شیراز عده‌ای دور قبر او طواف کردند و شعار دادند... انقلاب اسلامی ایران، مردم را از استکبار جهانی و استبداد داخلی نجات داد و اسلام را زنده کرد، اما امروز افرادی بر سر مقبره کوروش می‌روند و طواف می‌کنند، این مملکت، کشوری اسلامی است که برای حاکمیت ارزش‌ها خون‌های زیادی ریخته شده است.» ایشان افزود: «تعجب می‌کنم چه طور می‌تواند در مزار کوروش جمع شوند، همان شعارهایی که برای رهبر معظم انقلاب می‌دهیم، برای کوروش بدهند و باز ما زنده، نشسته‌ایم و تماشاگر هستیم.» روز دوشنبه، دهم آبان نیز علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب شیراز خبر داد: «پس از انجام تحقیقات لازم، لیدرها و سرشاخه‌های اصلی این تجمع که به سردادن شعارهای هنجارشکنانه و ضدارزش‌ها اقدام کرده بودند، دستگیر شدند.» علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان فارس، گفت که تجمع روز جمعه در پاسارگاد، با «هنجارشکنی» همراه بوده و افزود که «عوامل اصلی این هنجارشکنی» دستگیر شده‌اند. وی در این ارتباط گفت که «اقدامات این افراد پیش از این از سوی دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی مورد رصد قرار گرفته بود.» علی صالحی در ادامه افزود که «پس از انجام تحقیقات لازم، لیدرها و سرشاخه‌های اصلی این تجمع که به سردادن شعارهای هنجارشکنانه و ضدارزش‌ها اقدام کرده بودند، دستگیر شدند.» این کنش‌ها و واکنش‌ها، نتیجه دیگری هم داشت و آن فرصت‌طلبی اپوزیسیون

افرادی از هر دو فراکسیون اصول‌گرا و اصلاح‌طلب هم در بین آن‌ها دیده می‌شوند.

تشکیل این فراکسیون، واکنش‌های بسیاری، اعم از موافق و مخالف، هم درون مجلس و هم بیرون از آن برانگیخت. شماری از حامیان دولت تشکیل فراکسیون‌های قومی و زبانی را گامی در جهت شعارهای رئیس‌جمهور، حسن روحانی درباره رسیدگی به حقوق اقوام گوناگون ارزیابی می‌کنند و از آن استقبال کرده‌اند. در مهم‌ترین واکنش، محمدباقر نوبخت، سخن‌گوی دولت ضمن استقبال از این حرکت، اعلام نمود که دیگر گروه‌های قومی هم می‌توانند در مجلس فراکسیون تشکیل دهند. ضمن آنکه، ریاست فراکسیون نمایندگان مناطق ترک‌نشین را مسعود پزشکیان، نایب رئیس اول مجلس بر عهده دارد که از چهره‌های شناخته‌شده اصلاح‌طلبان و حامی دولت محسوب می‌شود. بسیاری معتقدند این حمایت‌ها ناشی از وزن بالا و تأثیرگذار این فراکسیون است. در واقع، تشکیل فراکسیون و اجتماع صد نفری در مجلس که شامل بیش از یک‌سوم نمایندگان است، وزن سنگینی در عملکردهای سیاسی، استیضاح وزرا و رأی‌دادن و هر اقدامی که مجلس می‌تواند بکند به شمار می‌رود که اگر به صورت حرفه‌ای مدیریت شود، می‌تواند همه چیز را از جمله دولت، برنامه‌ها و وزرا را به چالش بکشد و مخالفت با آن ممکن است برای مخالفان به منزله ناکام ماندن برنامه‌ها و مطالباتشان باشد.

یکی از شاعران و پژوهش‌گران ادبیات کلاسیک ترکی نیز در موافقت با تشکیل این فراکسیون گفته است: «این نمایندگان با فاکتور ترک‌بودن و حمایت از ادبیات و هویت ترکی به مجلس راه یافتند». او می‌افزاید: «در تبریز بعضی از نمایندگان اصلاح‌طلب تعهد کتبی دادند که اگر به مجلس بروند مطالبات اقوام را پیگیری کنند. آن‌ها متعهد شدند که در رابطه با تدریس زبان ترکی و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی تلاش کنند. این‌ها به این نتیجه رسیدند در درازمدت نمی‌توانند صرفاً با شعار حمایت از اقوام رأی مردم را جذب بکنند و باید گام‌های عملی بردارند تا دفعات دیگر بتوانند رأی بیاورند.»

در مقابل، مخالفان تشکیل این فراکسیون، بر خلاف اعلامیه تشکیل آن، معتقدند که این اقدام به وحدت ملی خدشه وارد می‌کند. در نخستین واکنش، در روز جمعه ۲۱ آبان، جامعه محققان، استادان و تاریخ‌دانان ایرانی درباره آسیب‌های ناشی از تشکیل فراکسیون‌های قومی و زبانی، به رئیس مجلس نامه نوشتند. نویسندگان این نامه نوشته‌اند که تشکیل چنین فراکسیونی و فراکسیون‌های مشابه آن می‌تواند به اساس وحدت ملی آسیب رساند و «امکان بروز خطر تضعیف همگرایی ملی و ایجاد حس واگرایی مابین اقوام و هویت‌های

جمهوری اسلامی و تلاش آن برای مصادره گفتمانی و جریانی این حرکت بود. در واقع، بنا بر گزارش‌ها، از دیگر شعارهایی که تجمع‌کنندگان در این روز در پاسارگاد سر داده‌اند، شعار «شاهزاده، تولدت مبارک» بوده که به نهم آبان، روز تولد رضا پهلوی، سرکرده سلطنت‌طلبان اشاره داشته است. وی نیز در صفحه فیس‌بوک خود به این شعار واکنش نشان داده و گفته است که این «بهترین هدیه تولدم در سال‌های گذشته بود». شورای ملی ایران که رضا پهلوی ریاست آن را بر عهده دارد نیز به مناسبت روز کوروش بیانیه‌ای منتشر کرده و خواستار «نگارش رسمی روز هفت آبان در سالنامه ملی ایران به نام روز کورش» شده است. حمایت تمام قد سیمای آزادی‌منافین و تلویزیون «صدای آمریکا» از این تجمع نیز در همین راستا صورت گرفت.

تشکیل فراکسیون قومی در مجلس

روز یکشنبه نهم آبان‌ماه، صد نماینده دوره دهم مجلس شورای اسلامی، اولین نشست آنچه را که فراکسیون مناطق ترک‌نشین نام نهادند، تشکیل دادند؛ نشستی که مسعود پزشکیان، نایب رئیس مجلس را به ریاست این فراکسیون برگزید و نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه و رضا کریمی، نماینده اردبیل را به عنوان دو نایب رئیس این فراکسیون انتخاب کرد. همزمان زهرا ساعی سخنگوی این فراکسیون اعلام کرد ۲۵ نماینده مجلس عضو شورای مرکزی این فراکسیون هستند. اهداف اعلام‌شده این فراکسیون از جمله حل مشکلات مناطق ترک‌نشین، توسعه متوازن در کشور و توسعه و تقویت وحدت ملی است. علاوه بر نمایندگان استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل و زنجان، نمایندگان از ساوجبلاغ، تهران، شیراز و قم در کنار نماینده آشتیان عضو این فراکسیون هستند و

قومی ایرانی» را افزایش دهد. در این نامه آمده است: «اجرائی شدن این طرح، ضرورتاً موجب واگرایی اعضای فراکسیون‌های قومی از وضعیت زندگی مادی و معنوی سایر نقاط خارج از حوزه قومی و زبانی آنان خواهد شد و عملاً میدان رقابتی برای پیشبرد برنامه‌های متنوع توسعه و رفاه در واحدهای منفصله از یکدیگر خواهد گردید. درون‌مایه جوهری این گونه طرح‌ها، وانهادن وضعیت عمومی کشور و رقابت بر سر سهم خواهی‌های هر چه بیشتر منابع و امکانات و تأسیسات نه به نسبت نیاز و محرومیت، بلکه بر اساس برتری شمار نمایندگان هر فراکسیون قومی است که طبیعتاً موجب تبعیض و نارضایتی هر چه بیشتر خواهد بود. در چنین وضعیتی، پیوند هم‌گرایانه ملی، به رقابت و اگرآیانه قومی مبدل گردیده و زمینه احساس ناپیوستگی فرهنگی و سیاسی مابین نواحی مختلف مملکت فراهم خواهد شد. ایجاد فراکسیون یا فراکسیون‌های قومی منطقه‌ای، عملاً میدانی نابرابر برای رقابت گروه‌های زبانی و نژادی نابرابر در جهت گرفتن امتیاز هر چه بیشتر به نفع واحدهای خود خواهد بود و عملاً به مفهوم واگرایی سیاسی و ملی ره‌سپر خواهد گردید و در این میان برنامه‌های ملی از اولویت و ضرورت خواهد افتاد و گروه‌های کوچک‌تر جمعیتی، همواره احساس غبن و نارضایتی خواهند داشت.»

تشکیل این فراکسیون، همچنین با اعتراض‌ها و انتقادهایی در داخل مجلس نیز روبه‌رو شده و شماری از نمایندگان این کار را مغایر برخی از اصول قانون اساسی دانستند. برای مثال، نماینده بندرعباس این اقدام را ناقض اصل‌های ۱۹، ۲۰ و ۸۴ قانون اساسی دانسته و در روز ۱۲ آبان‌ماه در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مهر گفت: «مجلس، صدای ملت است و باید منادی وحدت باشد. اگر این روند ادامه یابد، باید منتظر تقسیم‌بندی میان سایر اقوام در مجلس باشیم. مطابق اصل ۸۴ هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و اصل ۱۹ مقرر کرده: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» ضمن اینکه به لحاظ قانون اساسی، هر نماینده مسئول کل کشور است نه فقط حوزه انتخابیه‌اش؛ یعنی مسائل بندرعباس و مشهد هم باید برای نماینده ارومیه مهم باشد.» البته، پیش‌بینی مخالفان این اقدام به سرعت به وقوع پیوست و در روز ۲۲ آبان، نماینده مردم میاندوآب، شاهین دژ و تکاب در مجلس شورای اسلامی، با عنوان اینکه قرار است در مجلس فراکسیون کردزبان‌ها تشکیل شود، گفت: «نمایندگان کردزبان در مجلس خواستار تشکیل این فراکسیون شده‌اند تا حقوقی که متعلق به دیگر زبان‌هاست برای کردها هم لحاظ شود.» به گفته وی: «ریشه زبان کردی به هزاران سال پیش باز می‌گردد و کردها اصیل‌ترین قوم ایرانی هستند.» وی ضمن

اشاره به اینکه فرهنگ، ادبیات و علمای کرد در کشور جایگاه والایی دارند، افزود: «کردستان همیشه در تاریخ جایگاه ویژه‌ای داشته و در بحث فرهنگ حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.» این اقدام نشان داد که پس از فراکسیون‌های ترک و کردزبان، تشکیل فراکسیون‌هایی برای سایر اقوام نظیر عرب‌زبانان و بلوچ‌ها نیز در مجلس محتمل خواهد بود که نتیجه آن می‌تواند بروز تعارضات بین قومی در مجلسی باشد که یکی از مجراها و کانون‌های توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها در سطح کشور به شمار می‌رود. به همین دلیل، انتقادهای درون‌فراکسیونی از سوی ترک‌زبانان مجلس شروع شد و اصل شکل‌گیری و تداوم این فراکسیون‌ها را با تردید جدی مواجه کرد. در روز ۲۴ آبان‌ماه، منصور حقیقت‌پور، نماینده اردبیل در مجلس نهم و مشاور فعلی رئیس مجلس در مجلس دهم، از تشکیل فراکسیون ترک‌زبانان انتقاد کرد. او در سخنانی با بیان اینکه نمایندگان در تشکیل فراکسیون ترک‌نشین اشتباه کرده‌اند، گفت: «نمایندگان بسیار شتابزده در این راستا وارد عمل شدند و در فهم تشکیل فراکسیون ترک‌نشین‌ها خوب عمل نکردند و این فراکسیون دوام نخواهد آورد.» حقیقت‌پور در ادامه گفت: «بنده از دوستانم در این فراکسیون سؤال می‌کنم که واژه ترک‌نشین به چه معناست؟ آیا منظور آن‌ها از به‌کاربردن واژه ترک‌نشین در فراکسیون‌شان ترک‌زبانی یا ترک نژادی است؟ دوستانمان باید به صراحت بیان کنند که اگر اقلیت ترک‌زبانی در بوشهر حضور داشته باشند، این فراکسیون قصد دارد از منافع ترک‌ها در بوشهر که استان فارس‌زبان است، حمایت کند؟ آیا این روش باعث مقاومت سایر اقوام در حوزه انتخابیه این نماینده نخواهد شد؟! بنابراین انتظار است نمایندگان با تدبیر و درایت بیشتری در این زمینه وارد عمل می‌شدند و اقدام سنجیده‌ای انجام می‌دادند.» آخرین خبری که درباره تشکیل فراکسیون‌های قومیتی

بوده است. بر این اساس، نوشتار حاضر بر آن است که این نوسان یا سردرگمی، بیش از هر چیز ناشی از نبود سیاست هویت ملی مدون و جامع است که مورد اقبال و اجماع نسبی همه کارگزاران و نهادهای رسمی و غیر رسمی مسئول باشد و همه موظف باشند در چارچوب آن عمل کنند.

سیاست هویتی یا سیاست گذاری هویتی، نوعی خط مشی دولتی است که عمدتاً تمام مراحل چرخه سیاست گذاری را از تشخیص مسئله تا ارزیابی سیاست و بازنگری در آن را در بر می گیرد؛ آن هم در قبال همه وجوه هویتی و مسائل مرتبط با هویت ملی کشور. بر این اساس، سیاست هویت ملی به مفهوم سیاست اندیشیده شده، فعالانه و ایجابی (نه انفعالی) و همه جانبه نگرانه است که در کشور ما عمدتاً در قالب نوعی رویکرد و نگاه در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، چشم انداز بیست ساله و سخنان و رهنمودهای رهبران جمهوری اسلامی دیده می شود و هنوز به سیاست تبدیل نشده است؛ چون سیاست هویتی کل چرخه سیاست گذاری را در بر می گیرد نه فقط بخشی از آن را. آنچه در عمل وجود دارد، در واقع سیاست های مجزایی است که در حوزه های مرتبط با هویت انجام می شود؛ مثل سیاست قومی و این لزوماً به منزله برخورداری از سیاست هویت ملی به مثابه یک کل یکپارچه نیست. در واقع، به لحاظ معرفت شناختی، هویت یک امر جدولی است؛ یعنی هویت جدولی است با خانه های متفاوت و زیاد که خانه های آن باید با هم متناسب باشند و اگر نباشند، در مواجهه یا مقابله با مقولات و منابع هویت ساز و هویت سوز دچار سردرگمی، تناقض، پارادوکس و در نهایت، شکست می شویم. در سیاست گذاری هویت ملی هم باید این نگاه جدولی را پذیرفت؛ به این معنا که هویت ملی، ابعاد و اضلاع متعددی دارد که اگر این ها در سیاست اعمالی و اعلامی با هم هم خوان نباشند، بازیگر همواره با غافل گیری، تناقض و شکست روبه رو خواهد بود، به گونه ای که امروز به گونه ای موضع می گیرد که فردا مجبور خواهد بود نقیض آن را بگوید. هویت دینی - مذهبی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت قومی، هویت جهانی، هویت تاریخی، هویت تمدنی، هویت جغرافیایی، محیط زیست، رسانه، خانواده، سبک زندگی و صدها مقوله دیگر خانه های این جدول را تشکیل می دهند که همه می بایست در یک سیاست کلی با یکدیگر متناسب و متوازن شوند و این کاری است که در جامعه ما مورد غفلت قرار گرفته و امروز عوارض آن را به طور مشخص می توان در مواجهه با دو مقوله «بزرگداشت کوروش» و «فراکسیون پارلمانی قومی» دید. دلیل مشخص مسئله کنونی، این است که نگاه جدولی به هویت، نگاهی شمول گرا و درون گذار است نه حذفی و کنار گذار.

منتشر شد، سخنانی بود که سخنگوی هیأت رئیسه مجلس درباره متوقف شدن روند تأسیس این فراکسیون ها در مجلس بیان کرد. بهروز نعمتی که در بدو تأسیس فراکسیون ترک زبانان به عنوان یکی از اعضای این فراکسیون معرفی شده بود، نحوه شکل گیری این فراکسیون را اشتباه دانست. نعمتی که در مجلس نهم نماینده اسدآباد بود و حالا به عنوان نماینده تهران در مجلس دهم حضور دارد، از جمله نمایندگان است که با وجود اینکه نماینده منطقه ترک نشین نیست، به دلیل اینکه به زبان آذری سخن می گوید، به عنوان عضو فراکسیون ترک زبانان معرفی شده بود. وی با بیان اینکه تشکیل چنین فراکسیون هایی در مجلس اصلاً ضرورتی ندارد، اعلام نمود که «فکر می کنم اشتباهی شده و اتفاقی افتاده که نباید می افتاد». او در پاسخ به این سؤال که هاشمی نماینده مردم میاندوآب، شاهین دژ و تکاب، اعلام کرد قرار است در مجلس فراکسیون کرد زبان ها تشکیل شود، گفت: «موضوع تشکیل فراکسیون ها در مجلس، با موضوع قومیت جمع می شود و چنین اتفاقاتی نخواهد افتاد. ترک، لر، کرد، بلوچ و... همه ملت ایران هستند و نباید به موضوع قومیت دامن زد. نمایندگان باید ملی فکر کنند و به فکر منافع ملی و مملکت باشند». به این ترتیب، به نظر می رسد با روشن شدن تبعات احتمالی چنین اقداماتی، پرونده تشکیل این فراکسیون ها در مجلس بسته شده است.

اهمیت راهبردی سیاست هویتی

در بررسی دو رویداد پیش گفته در آبان ماه، یعنی گردهم آیی پاسارگاد و اعلام تشکیل فراکسیون های قومی، آنچه بیش از هر چیز و به لحاظ راهبردی در سطح کلان کشور قابل بررسی است، وجود نوعی سردرگمی در میان مسئولان کشور و در واقع، نهادهای ذی ربط و مسئول در موضع گیری و مواجهه با این پدیده هاست که از مواضع کاملاً مثبت تا کاملاً منفی در نوسان



نتیجه گیری

چنانکه در این مقاله آمد، در چارچوب ناسیونالیسم مدنی و نگاه جدولی به مقوله هویت، این امکان فراهم می شود که از مصادره نمادی تاریخی همچون کوروش از سوی بیگانگان و اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین، شکل گیری فراکسیون های قومی و زبانی در مجلس شورای اسلامی پیش گیری شده و در عین حال، منافع همه گروه های اجتماعی نیز تضمین شود و جامعه مجبور نباشد از گذشته تاریخی و یا از کیستی قومی خود توبه کرده و به انکار خود روی آورد. در خصوص فراکسیون های قومی نیز باید توجه داشت که بسته بودن راه تشکل های مدنی و اجتماعی، راه تشکل های قومی را باز می کند. این فعالیت ها بدیل فعالیت های مدنی و نهادهای مدنی و اجتماعی و حقوق شهروندی است و اگر نهادهای مدنی و اجتماعی بتوانند به سهولت و بدون هزینه فعالیت کنند، بخش مهمی از مطالبات قومی به جایگاه اصلی خود برخواهند گشت و کنش گران قومی نیز معقول تر، عام تر و ملی تر عمل خواهند کرد. از این رو، مناسب است نمایندگان مجلس شورای اسلامی فعالیت پارلمانی و تقنینی خود را در مسیر تحقق حکومت قانون و عدالت و حق شهروندی از یک سو و زدودن تبعیض و محدودیت ها و نابرابری ها از سوی دیگر قرار دهند و به جد در این مسیر بکوشند تا رأی دهندگان آن ها صادقانه آن را احساس کنند و در ذیل آن به مطالبات منطقه ای نیز پاسخ داده باشند؛ زیرا بخش اعظم مطالباتی که امروز تحت عنوان مطالبات منطقه ای ظهور کرده، در اساس مطالبات ملی هستند که از مجرای مطالبات محلی سر بیرون آورده اند.

این نگاه شمول گرا موجب می شود سیاست گذاران از میان گونه های مختلف ناسیونالیسم، به ترویج ناسیونالیسم مدنی بپردازند که در ابعاد تاریخی و قومی (موضوع بحث این مقاله)، به مذهب ستیزی، نژادگرایی (عرب ستیزی) و ستیز بین قومی نمی انجامد و بالعکس در صدد تألیف و همزیستی مسالمت آمیز آن هاست. در واقع، در جامعه ما، سه روایت از ناسیونالیسم وجود دارد که عبارتند از ناسیونالیسم قومی، ناسیونالیسم سرزمینی و ناسیونالیسم مدنی. ناسیونالیسم قومی بر مبنای یکسان سازی یا همانندسازی عمل می کند. این نوع ناسیونالیسم بنیاد خود را بر این ایده می نهد که یک گروه قومی مسلط در ایران وجود دارد و سایر اقوام باید همانند آن شوند. این ایده در دوره رضاشاه ترویج می شد و در واقع ناسیونالیسمی فرهنگی (و نه سیاسی) و محافظه کارانه است که باستان گرایی افراطی نیز در دل آن جای می گیرد و این قابلیت را دارد که گرایشی ارتجاعی، شوونیستی و حتی فاشیستی بیابد. باستان گرایی، در برداشت قومی از ناسیونالیسم در مقابل مذهب قرار می گیرد. علت اصلی این امر به حاملان ایده ناسیونالیسم در ایران بازمی گردد. این افراد تلاش کردند عرب ها و ترک ها را به عنوان «غیر» های ملت ایران معرفی کنند. نفی اعراب با نفی اسلام ملازمه پیدا کرد و این امر موجب واکنش نیروهای مذهبی جامعه ایران شد. این در حالی است که برداشت مدنی از ناسیونالیسم، همان وطن دوستی است که به هیچ عنوان به نژادپرستی، بیگانه هراسی افراطی و نفی مذهب نمی انجامد.

ناسیونالیسم سرزمینی به این معناست که در کشور خرده فرهنگ هایی وجود دارد که پدیده ای منفی نیستند و بنابراین یکسان سازی و از بین بردن آن ها سیاست درستی نیست. در این چارچوب، ایرانیان باید بنا را بر این بگذارند که مردمانی هستند که قرن ها در یک سرزمین با یکدیگر زندگی کرده و عقد نانوشته ای دارند که بر اساس آن می خواهند در کنار هم زندگی کنند. بنابراین ما باید خودمان را ایرانی تعریف کنیم و نه عضوی از قوم خاص. ناسیونالیسم مدنی نیز ترکیبی است از مفاهیم ناسیونالیسم و شهروندی. ناسیونالیسم مدنی مبتنی بر رفع تفاوت ها و تبعیض هاست. اگر همه مردم احساس کنند شهروند درجه یک هستند، دیگر ضرورتی برای جدایی خواهی سرزمینی نمی بینند. به علاوه، وقتی که مفهوم شهروندی اهمیت یابد، خرده فرهنگ ها و هویت های خرد را به تعلقات درجه دوم حاشیه ای و کم رنگ شده بدل می کند. در این چارچوب، اساساً سوء استفاده از نمادها و شخصیت های باستانی و مصادره آن ها و یا تبدیل کردن فضاهای خنثی و عادی همچون مقبره کوروش به فضاهای استراتژیک و سپس تسخیر آن ها از سوی معاندان بلا موضوع خواهد شد.